

گوشه ای از زندگی درخشان نهضت پر ثمر و
بزرگ پیشوای انقلاب اسلامی و مرجع تقلید
شیعیان جهان

« حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) »

پیشوای انقلاب و رهبر بزرگ اسلام حضرت آیت الله العظمی خمینی در روز بیستم جمادی الثانی
مصادف با روز میلاد باسعادت یگانه دختر عالیقدر پیامبر عظیم اسلام حضرت فاطمه زهرا (ع) به سال
۱۳۲۰ هجری در خانواده ای نسبتاً متوسط و روحانی در شهر خمین چشم به جهان گشود و پا به عرصه
گیتی نهاد.

و هر روز که از عمر شریف این نابغه دهر، مرزبان با کفایت اسلام و وارث همه اصالت‌های مذهب که
میگذشت آثار فوق العادگی شجاعت، شهامت، اراده، قاطعیت، ثبات و پاکی و دور اندیشی از چهره جذاب
و پیشانی تابنده اش می درخشید.

دوران کودکی

هنوز بیش از پنجاه از زندگی این کودک هوشمند و حیرت انگیز نگذشته بود که : پدر بزرگوارش آیت
الله سید مصطفی موسوی، به درجه رفیع شهادت رسید و این انسان بزرگ و شگفت آور نزد مادر
گرامیش تحت سرپرستی و کفایت برادر بزرگ خویش، علامه سید مرتضی موسوی، پرورش یافت.

تحصیلات ابتدائی

دوران کودکی را در همان شهر خمین، پشت سر گذاشت و تحصیلات ابتدائی و مقداری از دروس مقدماتی را در همان جا، نزد اهل فضل و دانش آموخت و در سن ۱۹ سالگی برای ادامه تحصیلات اسلامی به اراک که در آن روزگاران، یکی از مراکز علمی و حوزه های بزرگ دینی بشمار می رفت مسافرت فرمود. در آن زمان حاج سید عبدالکریم حائری یزدی از مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف از شاگردان برجسته حوزه درس، به دعوت علماء و فضلا به شهر اراک برای زعامت حوزه به آن شهر تشریف آورده بود، ادره می شد.

هجرت به قم

در سال ۱۳۴۰ هـ. آیت الله حائری به درخواست علما بزرگ اراک به شهر مقدس قم مهاجرت کرد. او با اراده آهنین و عزم راسخ و محکم خویش در جوار مرقد بانوی با عظمت اسلام حضرت معصومه (س) حوزه عظیم و با برکت قم را پایه گذاری کرد و بدست توانای خود حوزه علمیه قم را تاسیس نمود. آیت الله خمینی نیز بدنبال هجرت استاد، خود را از اراک به قم و به آن دانشگاه عظیم اسلامی رساند. در آن مهد علم ودانش و پرورشگاه شخصیت های بزرگ روحانی، به فراگرفتن علوم اسلامی و تزکیه نفس

پرداخت و از محضر استاد بزرگ آیت الله حائری و دیگر اساتید عالی مقام مانند، آیت الله شاه آبادی استفاده های شایانی نمود. پشت کار بی نظیر و لیاقت فوق العاده به زودی به درجه عالی اجتهاد نائل گردید.

آینده درخشان او

زعیم رشید اسلام از همان دوران اول تحصیل در هر اجتماع، جلسه و حوزه درس و بحثی که حاضر می شد و با هر استاد توانا و زبر دستی که روبرو میشد. طرح اشکالات دقیق، قوت منطق، و تقوای بی مانند و بلاخره ویژگی های روحی و اخلاقی او نظر اساتید بزرگ و با بصیرت و دور اندیش را به خود جلب می کرد و مبهوت از این هوش سرشار و فوق العاده اش میشدند.

آمادگی روحی و مسئولیتهای سنگین رهبری

زعیم بزرگ اسلام، در سراسر دورانی که، به حضور رهنمایان اخلاقی، مربیان وارسته، و آموزگاران به مجالس پند و موعظه مردان خدا برای آموختن معارف الهی و علوم می رفت. او می دانست باید فردا رهبر و هادی جامعه بزرگ مسلمانان باشد. و رهبری شرائط ویژه ای دارد. می دانست تنها مسئولیتی که بر دوش رهبر و مرجع یک امت است، استخاره گرفتن، نماز جماعت خواندن و مسئله گویی نخواهد بود بلکه مسئولیتهایی بی شمار و خطیر و وظائفی بسیار سنگین به دوش وی نهاده خواهد شد.

اولین گام علیه سیاست

پیشوای اسلام در سال های ۱۳۶۰ هـ. بطور کلی از حضور در حوزه های درس اساتید بزرگ پر فیضی از تحصیل بی نیاز گردید. دیگر نزد اساتید بزرگ چیزی نیافت که لازم به آموختن آن باشد. در نوشته های قبل گفتیم که حوزه علمیه قم با اراده آهنین و همت والای مرحوم حاج شیخ سید عبدالکریم حائری یزدی پایه گذاری شد و در کوتاهترین مدت توانست فضلا و محصلین جوان و با لیاقتی جمع آوری و حوزه آبرومند و با برکتی را بوجود آورد. ولی متاسفانه طولی نکشید که وضع سیاسی ایران تغییر کرد. دشمنی رضاشاه جلاد و دیکتاتور، نسبت به امور دینی و اسلامی بویژه به حوزه علمیه قم، هر روز آشکارتر می گردید و نقاب از چهره منحوس او بر می داشت. به حکم آن جبار و دیکتاتور زمان - جمع مجالس سوگواری و ارشاد و موعظه و علی الخصوص مجالس عزاداری سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین منع شدید گردید. تا فرصتی برای تبلیغ متعهدان مذهبی نباشد که ملت قهرمان ایران را آگاه بر وظائف و مسئولیتهای ملی و اسلامیشان گردانند. در چنین موقعیت حساس و خطرناک و روزهای سیاه و تاریکی بود که امام خمینی که در آن زمان از بزرگترین اساتید حوزه علمیه قم بود و از تابنده ترین چهره های روحانی آن دانشگاه عظیم بشمار می رفت به حکم و خلیفه اسلامی و روح تعهدپذیری که دارا بود. قهرمانانه بپاخاست و نخستین گامی که علیه سیاست رضاخان برداشت این بود که جهت بیدار ساختن ملت بزرگ اسلام از جریانات تلخی که بر آنان می گذشت و نقشه های شومی که در شرف

پیاپی شدن بود. حرکتی همگانی را شروع نمود تا مطالبی را که لازم می‌دید برای حفظ روحیه طلاب و روشن ساختن ملت دلاور ایران به آنان گوشزد فرماید. و نیز دستگاه جنایت پیشه را از عواقب تلخ و خطرناکی که شیوه ظالمانه و ستمگرانه شان در پیش داشت تهدید نماید. امام خمینی با قلبی نیرومند و روحی استوار در برابر ستمگر جلاد و خون‌آشامی چون رضاشاه قلدرد همچون کوهی عظیم و راسخ ایستادگی و قاطعیت از خود نشان داد. او مردانه پا به میدان مبارزه و فداکاری نهاد. با خروش جاوید، صراحت لهجه و شجاعت بی‌نظیر خویش سکوت مرگباری را که بر ایران سایه افکنده بود، درهم شکست.

اصول فقه و درس فلسفه

پس از درگذشت مرحوم آیت‌الله حائری جلسه درس و فلسفه امام خمینی از پرجمعیت‌ترین جلسات درس دانشگاه قم بود بیش از پانصد طلبه با استعداد حاضر می‌شدند و پروانه وار گرد شمع وجودش حلقه زده و از دریای بیکران علم و دانشش سیراب می‌گشتند. در دوران حیات مرحوم آیت‌الله بروجردی که رهبری حوزه علمیه را بر عهده داشت آیت‌الله خمینی یکی از درخشانترین چهره‌های علمی و معلمین روحی و اخلاقی فضلا و محصلین حوزه علمیه قم بشمار می‌رفت.

زعامت حوزه علمیه قم و مرجعیت تقلید

آیت الله خمینی پس از درگذشت مرحوم آیت الله بروجردی حتی از اجازه چاپ رساله عملیه شان به نفع دیگران هم ممانعت می فرمودند، بالاخره جمع کثیری از طلاب، فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم بطور دسته جمعی به حضورشان شرفیاب شده و با اصرار زیاد بطوریکه احساس تکلیف شرعی کردند فتاوی و آراء ایشان را گرفته و با کسب اجازه حضرتش با نفقه خویش بوسیله النجاه مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی به چاپ رسانیدند بعد از آن رساله عملیه ایشان به چاپ و در دسترس مؤمنین قرار گرفت و از این پس امام خمینی زعامت حوزه علمیه قم و مرجعیت تقلید مسلمین را عهده دار گردید.

رضاخان با علما بد بود

در صفحات قبل گفتیم که فریاد حق طلبانه پیشوای دلاور اسلام در آن شرائط سخت خفقان شدید و دیکتاتوری سیاه رژیم کودتا که براستی شدت فشار سرنیزه آدمکشی و زورگوئی نفس ها را در سینه ها خفه و زبانها را بریده و قلم ها را شکسته بود، طنین افکند و سکوت مرگبار و وحشتناکی را که بر جامعه بزرگ مسلمانان ایران حاکم گشته بود درهم شکست، با عزمی راسخ اراده ای فولادین و شهامتی بی نظیر نخستین گام را در میان آنهمه تاریکی و سیاهی علیه سیاست شوم رضاخان قداره بند برداشت با دلاوری ویژه ای به یاری ستمدیدگان برخاست از اسلام حمایت کرد و از حوزه های اسلامی جانبداری نمود، با خروش جاوید خویش به توده های وحشتزده از جور و ستم رضاخان جلاد امید، گرمی و حرارتی بخشید. این گام نخست از «درس اخلاق» شروع گردید بطور عجیبی با استقبال عمومی روبرو

شد و در کوتاه مدت این اجتماع بسیار بزرگ از همه طبقات خلق و روشنفکران جامعه مبدل گردید
ازدحام توده های مختلف در این اجتماع عظیم اسلامی تا آنجا بالا گرفت که دستگاه حاکمه را سخت به
هراس افکند و ادامه آن با مخالفت شدید رژیم روبرو گردید. استعمارگران برای تعطیل نمودن آن به
دست و پا افتادند ولی در مقابل با پایداری ایشان روبرو گردیدند و این آوای انقلاب و سرور آزادیخواهی
و بالاخره فریاد مخالفت ملت ایران علیه رژیم از زبان حقگوی پیشوا بگوش می رسید و این تا پایان دوره
بیست ساله دیکتاتوری رضاخانی و نابودی آن دست نشانده استعمار همچنان ادامه داشت. بعد از مدتی
پیشوای هوشمند اسلام کتابی به عنوان « چرا رضاخان با علما بد بوده » را به چاپ رسانید در این بیست
ساله که به درستی دوره اختناق ایران و دین بشمار می رفت همه دیدند دیدیم که بالاترین هدف
رضاخان کوبیدن علما بود، چون میدانست اگر الگوی اینها را با سختی فشار ندهد و زبان حقگوی اینها
را در هر گوشه که هستند با زور و سرنیزه نبندد تنها کسانی که میتوانند با مقاصد شوم او مقابله کنند
علمای عالی مقام اسلام هستند. رضاخان با مدرس روزگاری گذرانده بود و تماس خصوصی داشت او
فهمید که با هیچ چیز نمی توان او را قانع کرد نه با تهدید و نه با زور رضاخان از مدرس حال علمای
دیگر را سنجید و تکلیف خد را برای اجرا کردن نقشه های شوم اربابهای خود بکار انداخت .

زهد پیشوا

پیشوای پرهیزکار اسلام همانطور که از لحاظ مراتب علمی جامعیت و فهم صحیح اسلامی بی نظیر و بی مانند بود و کسی به پایه شخصیت علمی او نمی رسید و دارای صفات برجسته دیگری بود او علی (ع) و از زهد را پیشه ساخته بود، چشم از دنیا و لذتهای ناپایدار آن به یک باره فرو بسته بود بطوریکه سرمشق تمام مسلمانان جهان گردید.

تصویب لایحه انجمن های ایالتی ولایتی و مبارزه امام خمینی

رضاشاه که تصور می کرد روحانیت دچار ضعف شده در سال ۱۳۴۱ هـ. ش لایحه ای را بنام لایحه انجمنهای ولایتی و ایالتی به مجلس نبود وی که بی شرمانه اعلام داشت از پشتیبانی مردم برخوردار است بدین روز به روز سر نیزه این لایحه را به اجرا در آورد و با این کار چهره ضد مردمی و ضد اسلامی خویش را روشن تر ساخت و شرایط سوگند به قرآن مجید را از شرایط انتخاب شوندهگان آن انجمن قرار داد که بعدها مراسم سوگند خوردن به قرآن مجید حذف و سوگند خوردن به هر کتاب آسمانی را ممکن ساخت علاوه بر آن لایحه به زنان حق انتخاب کردن و یا انتخاب شدن را دارد مسلم بود که در جامعه آن روزی ایران که مردها حق رأی سازنده نداشتند شاه می خواست با این کار زنان و عموم مردم را فریب دهد و از اینجا بود که بطور کلی از مردم جدا شدند و در صفی مقابل آنها قرار گرفت که صف او متشکل از استعمارگران و حلقه بگوشان امپریالیسم و صهیونیسم بود و درمقابل صفی متشکل از

زحمتکشان، بینوایان و ستم دیدگان و بالاخره اقشار و طبقات اجتماعی جامعه بود که امام خمینی هادی و رهبر این صف بشمار میرفت و با رهنمودهای خویش علمای قم و دیگر بلاد اسلامی را طی تلگرافی آگاه ساخت و خواستار لغو این لایحه گردید. امیر اسدالله علم که از سر سپردگان رژیم منفور پهلوی بشمار میرفت ابتدا در مقابل این خواسته امام خمینی مقاومت کرد و حتی تهدید نمود که روحانیون را سرکوب خواهد کرد اما ببا مخلفتها و حضور مردم در صحنه مبارزه مجبور به عقب نشینی شد سرانجام با پیگیریهای امام خمینی لایحه مذکور کنار گذاشته شد.

تصویب اصول شش گانه و آغاز دوره دوم نهضت

شاه در ادامه اطاعت از سیاست های آمریکایی اعلام کرد که تصمیم دارد اصول شش گانه ای را به نام (اصول انقلاب شاه و ملت) به همه پرسی بگذارد. پس از اعلام این تصمیم امام خمینی در جلسه ای با حضور مراجع و علمای قم تصمیم گرفتند خطر تهاجم به اسلام و مسلمانان و استقلال کشور را به مردم گوشزد کنند و با اقدامات آمریکایی شاه به مبارزه برخیزند. امام خمینی همه پرسی را بر خلاف قانون دانسته و آن را تحریم کردند و به دنبال آن تظاهراتی در تهران آغاز شد. در همین زبان مردم قم نیز به خیابانها ریختند و باران شعارهای همه پرسی را محکوم کردند. به دنبال این وضع شاه تصمیم گرفت تا قبل از برگزاری همه پرسی به قم مسافرت کند و با بهره برداری از استقبالی که تصور می کرد از وی به

عمل خواهد آمد، توجه مردم را به خود جلب کند. اما امام خمینی اعلامیه ای دادند و مردم را به ماندن در خانه ها فراخواندند در نتیجه استقبال چندانی از شاه نشد.

در بهمن ماه ۱۳۴۱ شاه همه پرسی موردنظر خود را برای اجرای اصول شش گانه انجام داد. بعد از آن اعلام شد که اکثریت رأی دهندگان با این اصول موافقت کرده اند. ولی دو روز پس از انجام همه پرسی، که مصادف با اول ماه مبارک رمضان بود، امام خمینی و گروهی از علما در قم تصمیم گرفتند که به منظور متوجه ساختن مردم به عواقب همه پرسی در آن ماه نماز جماعت و تبلیغ و سخنرانی را در سراسر کشور تعطیل کنند. این حرکت رژیم را به وحشت انداخت.

حمله به مدرسه فیضیه

بر اثر قیام امام خمینی و سایر مراجع در مقابل مطامع بیگانگان که به دست شاه انجام میشد، شاه به دنبال فرصتی می گشت تا تهاجمی وسیع را علیه روحانیون آغاز کند. صبح روز دوم فروردین ۱۳۴۲ که مردم به مناسبت سالگرد شهادت حضرت امام صادق (ع) در منزل امام خمینی گرد آمده بودند، مأموران حکومتی سعی کردند تا مجلس را به هم بزنند، اما هوشیاری امام و تهدید ایشان، آنان را وادار به سکوت کرد. بعد از ظهر آن روز به دعوت آیت الله گلپایگانی مجلس سوگواری امام صادق (ع) نیز در مدرسه فیضیه منعقد شده بود. در اینحال مأموران حکومتی وارد مدرسه شدند و کشتار وحشیانه ای به راه

انداختند. آنان طلاب مدرسه و مردمی را که در آنجا اجتماع کرده بودند به سختی مضروب و مقتول ساختند. این وحشیگری در فیضیه تا پاسی از شب ادامه یافت.

منع سکوت و بازخواست دولت توسط امام خمینی

پس از واقعه کشتار فیضیه امام طی اعلامیه ای خطاب به روحانیون و مردم هر گونه سکوت در برابر رژیم را حرام دانستند و تاکید کردند که اظهار حقایق واجب است. پس از آن خود ایشان اولین گام را برداشتند و اسدالله علم نخست وزیر وقت را در مورد مسائلی چون حمله مأموران دولتی به مردم در بازار تهران، برگزاری همه پرسی و حمله به مدرسه فیضیه در قم مورد بازخواست قرار دادند.

عاشورای سال ۴۲ و اقدامات ساواک

با فرا رسیدن ماه محرم (سال ۱۳۴۲ هـ . ش) امام به سخنرانی مذهبی رهنمود دادند که باید سکوت در مقابل رژیم شاه را بشکنند. امام همچنین خطر اسرائیل و عمال آنان را به مردم تذکر دادند و از مصیبت هایی که بر اسلام وارد شده است، سخن گفتند. در همین زمان ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور که وظیفه اصلی سرکوبی مبارزان را بر عهده داشت) روز نهم محرم (تاسوعا) عده ای از

سخنرانان مذهبی را احضار کرد و با تهدید بسیار به آنان گوشزد کرد که تنها در صورتی اجازه دادند در

مجالس عزاداری سخنرانی کنند که سه شرط زیر بپذیرند :

۱- علیه شخص اول مملکت یعنی شاه سخنی نگویند.

۲- علیه اسرائیل مطلبی نگویند.

۳- مرتب به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است.

با همه کنترل های شدید پلیسی و امنیتی حکومت، روز عاشورا جمیت بسیاری از مردم تهران به خیابانها

ریختند و به طرف دانشگاه حرکت کردند و از آنجا تا مقابل کاخ مرمر پیش رفتند و شعار مرگ بر

دیکتاتور را سر دادند. این جمعیت و آن حرکت ها و شعارها که تا آن زمان بی سابقه بود، به شاه فهماند

که نهضت امام خمینی در میان مردم سخت ریشه دار است.

سخنرانی تاریخی امام در روز عاشورا

در روز عاشورا مردم شهرهای مختلف که به قصد زیارت به قم آمده بودند همراه با طلاب و روحانیون و

گروه زیادی از مردم این شهر، برای شنیدن سخنان امام خمینی در مدرسه فیضیه و صحن های حضرت

معصومه (س) و میدان آستانه اجتماع کردند. رژیم که علاقه شدید مردم را به سخنرانی امام نمی

توانست تحمل کند، می خواست از سخنرانی ایشان جلوگیری کند، اما امام با قاطعیت تمام از میان انبوه

جمعیت عبور کردند و وارد مدرسه فیضیه شدند و در یک سخنرانی تاریخی علیه اقدامات حکومت شاه وابستگی آن به بیگانگان به سخن پرداختند. در ادامه بخشی از سخنان امام را می خوانید.

دستگیری امام و قیام مردم

اثرات کوبنده سخنرانی امام در روز عاشورا سبب شد که رژیم تصمیم به دستگیری ایشان بگیرد. در ساعت ۳ بعد از نیمه شب پانزدهم خرداد مأموران حکومت شاه به خانه امام رفتند و ایشان را دستگیر کردند و بلافاصله به تهران منتقل ساختند. مردم قم که صبح آن روز از دستگیری امام اطلاع یافتند و مرد و زن به خیابانه ریختند و خواستار آزادی ایشان شدند. مقاومت دلیرانه مردم قم باعث شد که آنها را از هوا و زمین به گلوله بستند و بسیاری را مقتول و مجروح ساختند. وقتی خبر دستگیری امام به تهران رسید، مردم این شهر نیز با شعار (خمینی را آزاد کنید) در سطح بسیار وسیعی به تظاهرات پرداختند. رژیم که به وحشت افتاده بود و تصور چنین عکس العمل شدیدی را نداشت به مأموران خویش دستور داد تا مردم را به گلوله بندند. در نتیجه عده زیادی از مردم تهران شهید و مجروح شدند، فجیع ترین جنایت رژیم در روز پانزدهم خرداد، قتل عام کفن پوشان ورامین بود که در این روز از ورامین به سوی تهران حرکت کرده و خواهان آزادی امام خمینی بودند. امام که این کار را ذلتی برای مردم مسلمان ایران می دانستند، تصمیم گرفتند تا با یک سخنرانی بیدار کننده، موضوع را به اطلاع

مردم برسانند و تصویب آن را محکوم کنند. بیانات تاریخی امام در این مورد تمام امیدهای حکومت را برای ساکت کردن امام از بین برد. ایشان در این بیانات ضمن اعتراض شدید به نمایندگان مجلس، هیئت دولت و حتی شخص شاه برای و تصویب چنین خیانت نامه ای. حملات شدیدی نیز به آمریکا کردند که تا آن زمان بی سابقه بود. به دنبال این بیانات و نیز پخش اعلامیه ای دیگر از امام در سطح کشور حکومت که دریافته بود امام خمینی اهل سازش و سکوت نیست، تصمیم به تبعید ایشان از کشور گرفت. شب سیزدهم آبان ماه سال ۱۳۴۳ هـ. ش مأموران دولتی شبانه به منزل امام رفتند و ایشان را دستگیر و یکسره به فرودگاه تهران منتقل ساختند و با هواپیما به ترکیه فرستادند. امام مدتی در ترکیه بودند و سپس از آنجا به عراق منتقل شدند. امام خمینی به نجف رفتند و تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در این شهر بودند.

از هجرت امام به پاریس تا بازگشت به ایران

با شعله ور شدن آتش انقلاب در ایران، حکومت عراق به یاری شاه ایران پرداخت و برای امام که در عراق سکونت داشتند محدودیت ها و مشکلاتی پدید آورد. امام که حاضر نبودند کمترین امتیازی به نفع حکومت شاه بدهند، تصمیم به ترک عراق و رفتن به کویت گرفتند ولی دولت کویت مانع ورود امام به این کشور شد و امام به ناچار عازم فرانسه شدند و در (نوفل لوشاتو) یکی از دهکده های نزدیک پاریس

اقامت گزیدند. اقامت امام در فرانسه انقلاب را وارد مرحله جدیدی کرد. از این زمان به بعد اقامتگاه امام تبدیل به مرکزی برای هدایت انقلاب اسلامی می گردید. امام همواره مردم را هدایت می کرد. مشوق آنها بود. بطوریکه رهنمودهای امام که به صورت اعلامیه و اطلاعیه فرستاده می شد با همیاری جوانان انقلابی شبانه و مخفیانه در سراسر کشور پخش می شد و دولت محمدرضا که ناتوان از جلوگیری این کار شده بود به اجبار دستور به برپایی حکومت نظامی داد.

حادثه ۱۳ آبان

در این زمان بخش مهمی از مبارزات دلاورانه ملت مسلمان ایران علیه رژیم شاه بر دوش دانشجویان، نوجوانان و دانش آموزان قرار داشت که با عشق به اسلام و رهبری امام سینه خویش را آماج گلوله های دشمن قرار داده بودند. امام طی اعلامیه ای از دانش آموزان، دانشجویان و طلاب علوم دینی سراسر کشور خواستند که همراه با مردم تا سرنگونی رژیم شاه به مبارزه ادامه دهند. روز سیزدهم آبان که تعداد زیادی از دانش آموزان و گروهی از دانشجویان در دانشگاه اجتماع کرده بودند، در حلقه محاصره نیروهای شاه درآمدند و به گلوله بسته شدند که جمعی از آنان به شهادت رسیدند. پس از کشتار دانشگاه، شاه در یک سخنرانی رادیو و تلویزیونی از مردم پوزش خواست و سعی کرد مردم را آرام کن اما این اقدام او تاثیری در تصمیم مردم نداشت. فرارسیدن ماه محرم به مبارزه، انگیزه و تحرک بیشتری

می داد. به همین دلیل راهپیماییهای تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ یکی از عظیم ترین اجتماعات مردمی در طول تاریخ بود.

حکومت بختیار و بازگشت امام

دولت آمریکا که شاهد ناتوانی هر چه بیشتر حکومت شاه و نخست وزیران او در اداره امور کشور و نیز شاهد افزایش حرکت انقلابی مردم ایران بود، تصمیم به اجرای سیاستی جدید گرفت. بر اساس این سیاست شاه باید از کشور خارج میشد و شاپور بختیار که سابقه وابستگی چندانی به حکومت نداشت به نخست وزیری میرسید. هدف این بود که مردم و رهبران آنان را ساکت نشده است. در دیماه ۱۳۵۷ اعلام شد که به فرمان امام خمینی شورای انقلاب تشکیل شده است. در همین ماه که شاه کشور را ترک گفت و مردم در حالیکه با ریختن به خیابانهای این موفقیت را جشن می گرفتند، خطاب به بختیار نیز اعلام داشتند که تا سرنگونی او به مبارزه ادامه خواهند داد. چند روز پس از فرار شاه امام اعلام داشتند که به ایران بازخواهند گشت. بختیار بلافاصله فرودگاه را بست تا مانع ورود امام شود. امام که ناچار ورود خود را به تعویق انداخته بودند، طی مصاحبه ای، ضمن غیر قانونی شمردن دولت بختیار اعلام کردند که در اولین فرصت که فرودگاه باز شود به بیا مردم ایران خواهند آمد تا در کنار آنها به مبارزه ادامه دهند. سرانجام در روز ۱۲ بهمن رهبر انقلاب پس از سالهای دوری از وطن در میان استقبال پرشور و بی سابقه مردم، وارد تهران شدند و از فرودگاه یکسره به بهشت زهرا عزیمت کردند. تا

با شهیدان انقلاب اسلامی تجدید عهد کرده باشند. امام در سخنرانی خود در بهشت زهرا فرمودند که :
« به پشتیبانی ملت ایران دولت تعیین خواهند کرد».

دستاوردهای انقلاب

انقلاب اسلامی در مدت کوتاهی قوانین و سازمانهای لازم را برای اداره کشور به وجود آورد. در فروردین سال ۵۸ مردم به پای صندوق های رأی رفتند و به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند. بعد از آن دوازده فروردین را روز جمهوری اسلامی نامگذاری کردند. در همان سال مجلس خبرگان تشکیل شد و قانون اساسی کشور به تصویب رسید و نیز در همان موقعیت مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری نیز برگزار شد. در آن زمان نهادهایی مانند سپاه پاسداران، جهادسازندگی برای خدمت به کشاورزان و روستائیان محروم به وجود آمد. در سال ۱۳۵۸ نماز جمعه در تهران بر پا شد. در آن سال روستائیان از نعمت راه، برق و آب آشامیدنی برخوردار شدند.

توطئه و مشکلات

انقلاب اسلامی ایران دست ابر قدرتها را از ایران کوتاه کرد به همین جهت پس از پیروزی انقلاب نیز توطئه های دولتهای مستکبر و زورگو بر ضد انقلاب اسلامی ادامه یافت و به شکلی آنها خود را شکست

خورده دیدند. در همین موقعیت مزدوران بیگانه که مردم آنها را (گروهک) می نامیدند در کشور نا امنی ایجاد کردند. آنها لوله نفت را منفجر کردند، خرمن گندم روستائیان را آتش زدند، آیت الله مطهری و دکتر بهشتی را به شهادت رسانند. دولت آمریکا شاه را نزد خود پناه داد تا علیه ایران توطئه کند، در مقابل این عمل دانشجویان سفارت آمریکا را اشغال کرده و کارمندان را به گروگان گرفتند. آمریکا برای حمله به ایران نیروی نظامی وارد کشور کرد و اما سربازان آمریکایی در صحرای طبس گرفتار طوفان شن شدند و شکست خورده و پا به فرار گذاشتند.

جنگ

جنگ مهمترین و سخت ترین توطئه ای بود که دشمنان پس از پیروزی انقلاب برپا کردند در سال ۱۳۵۹ ارتش عراق به کمک آمریکا و شوروی به ایران حمله کردند و از جمله بندر بزرگ خرمشهر را تصرف کردند و مردم شهر را به اسارت برده و یا به شهادت رساندند. امام از مردم خواست در برابر این توطئه ها مانند کوه استوار باشند و با فداکاری و مقاومت سختی ها را تحمل کنند. عده ای از مردم به خارج کشور فرار کردند. ایران توانست در جنگ پیروز شود یعنی بعد از هشت سال نبرد قهرمانانه و دفاع مقدس و فداکاری، ارتش، سپاه، بسیج توانستند ارتش متجاوز عراق را مجبور به عقب نشینی کنند، بعد از مدتی اسیران جنگ را که مردم به آنها (آزادگان) می گفتند به آغوش پر مهر میهن بازگشتند.

رهبر انقلاب

و خلاصه انقلاب اسلامی ایران که از سال ۱۳۴۱ آغاز شده بود از همان ابتدا از رهبری الهی امام خمینی برخوردار بود و مردم جهان این انقلاب را در همه جا به نام امام خمینی می شناختند و امروز نیز همان طور که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای فرموده اند : « این انقلاب بی نام خمینی در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست.) امام خمینی فقیهی پرهیزگار، حکیمی بزرگ و سیاستمداری دور اندیش بودند که در همه کارها فقط و فقط خدا و رضای خدا را در نظر داشتند. امام نمونه حقیقی مکتب اسلام بودند و مردم همه آرزوها و اعتقادات خود را در وجود ایشان آشکار می دیدند و به ایشان عشق می ورزیدند. امام خمینی پس از پیروزی انقلاب نزدیک به یازده سال رهبری انقلاب را بر عهده داشتند و سرانجام پس از یک بیماری کوتاه، در سیزدهم خرداد سال ۱۳۶۸ که چه شخصیت بزرگ و فرهیخته ای را از دست دادند.

یادش گرامی باد